

صحيفة الحسن عليه السلام

[305] است - تا آنجا که سخن عبد الله زبیر در حضور امام را در مجلس دیگری نقل می کند - آنگاه امام فرمود: سوگند به خدا اگر بنی امیه مرا در سخن گفتن ناتوان نمی شمردند برای پست شمردن تو زبان از گفتارت باز می داشتم، ولی اکنون برایت آشکار می کنم که من کم عقل و بی زبان نیستم، آیا تو بر من عیب می گیری و بر من فخر می فروشی، جدت در جاهلیت خانواده و معروفیتی نداشت تا اینکه با جده ام صفیه دختر عبد المطلب ازدواج کرد، و در میان عرب سرافراز شد و به شرف او افتخار ورزید، پس چگونه فخر کنی بر کسی که حلقه رابط گردنبند است، بزرگان و گرامترین مردم روی زمین، این مائیم که شرفی بر نفوذ و کرامتی برتر و پیروز داریم. گمان می کنی که من تسلیم معاویه شدم، چگونه چنین کاری ممکن است، وای بر تو من پسر دلاورترین مردان عریم، و در دامان فاطمه علیها السلام چشم گشوده ام که پیشوای زنان جهان و بهترین کنیزان خداست، وای بر تو من این کار را از روی ترس و ناتوانی انجام ندادم، علت آن بود که طرفدارانی چون تو داشتم که به بیهودگی طرفدار من بودند، و به دروغ ادعای دوستی می کردند، و من به آنها اعتماد نداشتم، چون شما خاندانی فریبکارید. و چرا چنین نباشد که پدرت با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت کرد، و به
